



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی تبلیغ

عنوان:

بررسی رابطه عدل الهی و ارزاق

استاد راهنما:

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر میردامادی (زید عزه)

استاد مشاور:

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای یعقوبی (زید عزه)

تدوین و نگارش:

مصطفی سعدی

پاییز ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

حضرت رسول و خاندان مکرم و مطهرش

آستان غریبانه و ملکوتی قبرستان بقیع

ارواح اولیاء و صلحاء، ارواح طیبیه شهدا، امام خمینی، مقام معظم رهبری، خادمان علوم، علمای گرانقدر و خدمت گزاران به دین که عمر شان را در راه ترویج اسلام و نشر و بستر سازی معارف اسلامی وقف نموده اند و پدر و مادر عزیزم و همسر مهربان و گرانقدرم که با صبر و شکیبایی زیادی مرا در اتمام این پایان نامه یاری رساند.

تشکر و قدردانی

از بابت قدردانی و سپاسگذاری بر خود لازم می دانم که خدای متعال را مورد سپاس و ستایش قرار دهم که به من گوهر عقل و نعمت تعقل عنایت نمود و از لطف سروران و اعزّه عظام بزرگوار مدرسه علمیه عالی مدرسه نواب و اساتید نامی آن حوزه بویژه استاد عزیزم؛

استاد راهنما:

جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر میردامادی (زید عزه)

استاد مشاور:

جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای یعقوبی (زید عزه)

که لطف نمودند و در به نتیجه رساندن این پایان نامه مرا یاری رساندند، قدردانی نمایم و عنایتشان را ارادت بورزم، خدای بزرگ بر جان همه اینان نور علم و طول عمر با برکت تر عنایت نماید.

چکیده

مسئله اساسی تحقیق این است که چه ارتباطی بین عادل بودن خداوند متعال و ارزاق و نعمت ها از سوی او بر موجودات عالم وجود دارد؟ و از آنجایی که عدالت خداوند متعال مقتضی آن است که به هیچ موجودی ظلم ننماید، باید رابطه افزایش یا کاهش رزق و نعمت الهی و تفاوت این دو نسبت به انسان ها با عادل بودن خداوند متعال بررسی شود. اگر این مساله بررسی شود بسیاری از سوالات انسان ها در این زمینه پاسخ داده خواهد شد، و این عدم آگاهی به آگاهی تبدیل خواهد شد. و ریشه بسیاری از یأس ها و ناامیدی ها از بین خواهد رفت، و ضعف اعتقاد، به ایمان راسخ به خداوند متعال و ایمان به عدل او در دنیا و آخرت پدید خواهد آمد. لذا ضرورت دارد این مسئله از لحاظ علمی بررسی شود تا پاسخ هایی متقن و مستدل به این سوال ها داده شود. پیشینه این بحث، در لسان قرآن و روایات و اقوال علمای اسلامی چه شیعه و چه سنی به تفصیل مطرح شده است. اما به این قالب و سبک کمتر به چشم می خورد و در این پایان نامه از موارد نوین همچون چگونگی رابطه ی نعمت و رزق، رابطه ی عدل الهی و رزق مادی و دینی بحث شده است. تحقیق حاضر روش توصیفی - تحلیلی است، با توجه به اینکه عدل الهی به تکوینی، تشریعی و جزایی تقسیم می شود، ارتباط شان با رزق و نعمت بررسی شده است تا مشخص شود که هیچ گونه ناسازگاری بین عدل الهی و ارزاق و نعمت ها وجود ندارد و فرضیه ها طرح و اثبات شده است.

نتایجی که این تحقیق به آنها دست یافته است:

- ۱- رفع شبهه بی عدالتی خداوند متعال در تفاوت رزق و روزی انسان ها، ۲- اعتماد و یقین به عادل بودن خداوند متعال، ۳- تغییر نگرش به دنیا و تفاوت افراد در امور دنیوی که نتیجه آن آراسته شدن به کمالات نفسانی با علم به عدالت پروردگار است، ۴- پرورش روحیه صبر و استقامت در کمبودها و نواقص ظاهری، ۵- تقویت اموری مثل صله رحم و انفاق و ... که باعث افزایش رزق می شود، و از طرفی اجتناب از اموری مثل گناه که باعث تفویت ارزاق و نعمت ها است. ۶- رابطه یا سازگاری بین عدالت الهی و رزق دینی تنگاتنگ است و هیچ گونه ناسازگاری و اختلاف در آن ها دیده نمی شود. ۷- رابطه یا سازگاری بین عدالت الهی و رزق مادی، وثیق و محکم می باشد و هیچ گونه ناسازگاری و اختلاف در آنها دیده نمی شود.

کلید واژه: عدالت الهی، رازقیت الهی، رزق، انسان، تکلیف، عدل.

فهرست مطالب

بخش اول:

مقدمه تحقیق

ضرورت و اهمیت مساله.....	
پیشینه تحقیق.....	
پرسش های پژوهش.....	
سوال اصلی.....	
سوالات فرعی.....	
فرضیه های پژوهش.....	
نوآوری پژوهش.....	
روش پژوهش.....	
ساختار.....	

بخش دوم:

کلیات، مبادی تحقیق و پیش فرض ها

فصل اول: مفاهیم اساسی.....	
مبحث اول: رابطه در لغت و اصطلاح.....	
گفتار اول: ربط در لغت.....	
گفتار دوم: ربط در اصطلاح.....	
مبحث دوم: اسم و صفت در لغت و اصطلاح.....	
گفتار اول: اسم و صفت در لغت.....	
گفتار دوم: اسم و صفت در اصطلاح.....	
گفتار سوم: فرق اسم و صفت.....	
ذاتی یا فعلی بودن صفات رزق و عدل.....	
مبحث سوم: عدل در لغت و اصطلاح.....	

..... گفتار اول: عدل در لغت.....	گفتار اول: عدل در لغت.....
..... گفتار دوم: عدل در اصطلاح.....	گفتار دوم: عدل در اصطلاح.....
..... مبحث چهارم: اقسام و مراتب عدل الهی.....	مبحث چهارم: اقسام و مراتب عدل الهی.....
..... گفتار اول: منظور از عدل تکوینی.....	گفتار اول: منظور از عدل تکوینی.....
..... گفتار دوم: منظور از عدل تشریعی (دادگری در قانونگذاری).....	گفتار دوم: منظور از عدل تشریعی (دادگری در قانونگذاری).....
..... نمونه‌هایی از عدل تشریعی.....	نمونه‌هایی از عدل تشریعی.....
..... گفتار سوم: منظور از عدل جزائی (عدالت در کیفر و پاداش).....	گفتار سوم: منظور از عدل جزائی (عدالت در کیفر و پاداش).....
..... اقسام مجازات.....	اقسام مجازات.....
..... مجازات‌های قراردادی.....	مجازات‌های قراردادی.....
..... مجازات‌های علّی، معلولی.....	مجازات‌های علّی، معلولی.....
..... مجازات‌های عینیت و تجسم عمل.....	مجازات‌های عینیت و تجسم عمل.....
..... گفتار چهارم: ظلم در لغت.....	گفتار چهارم: ظلم در لغت.....
..... گفتار پنجم: ظلم در اصطلاح.....	گفتار پنجم: ظلم در اصطلاح.....
..... مبحث چهارم: معنای لغوی و اصطلاحی رزق.....	مبحث چهارم: معنای لغوی و اصطلاحی رزق.....
..... گفتار اول: معنای لغوی رزق.....	گفتار اول: معنای لغوی رزق.....
..... گفتار دوم: رزق در اصطلاح.....	گفتار دوم: رزق در اصطلاح.....
..... گفتار سوم: انواع و مراتب رزق.....	گفتار سوم: انواع و مراتب رزق.....
..... الف) رزق عام و رزق خاص.....	الف) رزق عام و رزق خاص.....
..... ب) رزق مادی و معنوی.....	ب) رزق مادی و معنوی.....
..... ج) رزق طالب و رزق مطلوب.....	ج) رزق طالب و رزق مطلوب.....
..... د) نعمت و رزق ظاهر و باطن.....	د) نعمت و رزق ظاهر و باطن.....
..... هـ) نعیم، سرآمد نعمت‌ها و ارزاق.....	هـ) نعیم، سرآمد نعمت‌ها و ارزاق.....
..... و) نعمت هدایت؛ نعمت والا.....	و) نعمت هدایت؛ نعمت والا.....
..... ز) حواس ظاهری و باطنی.....	ز) حواس ظاهری و باطنی.....

.....	ح) نعمت امنیت و سلامت
.....	ط) رزق بدون حساب
.....	چرایی رزق بدون حساب
.....	رزق حسن
.....	تعریف رزق حسن
.....	نمونه هایی از رزق حسن
.....	منظور از رزق ماندنی
.....	رزق کریم
.....	رزق معلوم
.....	رزق حلال
.....	ظ) رزق مضمون یا رزق مقسوم
.....	ض) منفعت کسب
.....	مبحث پنجم: نعمت در لغت و اصطلاح
.....	گفتار اول: نعمت در لغت
.....	گفتار دوم: نعمت در اصطلاح
.....	گفتار سوم: رابطه رزق با نعمت
.....	فصل دوم: عدل الهی
.....	مبحث اول: حقیقت عدالت الهی
.....	مبحث دوم: مبانی عدل الهی
.....	گفتار اول: جایگاه و اهمیت حسن و قبح
.....	گفتار دوم: علت عقلی بودن حُسن و قُبْح
.....	گفتار سوم: حسن و قبح عقلی در قرآن و روایات
.....	گفتار چهارم: نظریه نسبیّت عدل الهی و نقد آن
.....	مبحث سوم: ادله اثبات عدل الهی در بینش اسلامی

گفتار اول: دلایل نقلی عدالت الهی	
گفتار دوم: دلایل عقلی بر عدالت خداوند	
گفتار سوم: فواید اعتقاد به عدل الهی	
فصل سوم: جایگاه، حقیقت رزق و رازقیت الهی	
مبحث اول: جایگاه صفت رزق الهی	
گفتار اول: رازقیت خداوند	
گفتار دوم: بدون عوض بودن رازقیت خداوند	
مبحث دوم: حقیقت رزق	
گفتار اول: زمان ایجاد رزق	
مبحث سوم: دلایل، شواهد و نشانه ها بر رازقیت خداوند	
گفتار اول: دلایل نقلی بر ضمانت رزق الهی بر موجودات	
گفتار دوم: میزان استفاده از ارزاق الهی	
مبحث چهارم: سنن تاثیر گزار در رزق	
رابطه رزق با عمر	
گفتار اول: سنت تکوینی و تشریعی	
گفتار دوم: سنت بداء در تغییر رزق الهی	
گفتار سوم: استدراج و املاء	
گفتار چهارم: سنت ابتلاء (آزمایش)	
گفتار پنجم: سنت امداد	
گفتار ششم: اسباب افزایش و برکت در رزق	
۱- انفاق	
۲- آخرت خواهی و فرمانبرداری الهی	
۳- شکرگزاری	
۴- علم و علم آموزی	

-۵- رعایت نظافت ظاهر و باطن
-۶- وجود رزق مخصوص در هر مسیر
-۷- نیکی به پدر و مادر
-۸- بیداری بین الطلوعین، توأم با تعقیبات بعد از نماز صبح
-۹- نماز شب
-۱۰- زیارت اهل بیت β ، خصوصاً زیارت امام حسین β و توسل به طریق دعا
-۱۱- ازدواج
-۱۲- نقش دعا در افزایش رزق
-۱۳- خواندن بعضی اذکار و سور قرآنی
-۱۴- طلب خیر داشتن برای دیگران
-۱۵- عوامل برکت داشتن رزق
-صله رحم، ادای امانت، خوش اخلاقی، حسن همسایه داری، حسن نیت، صداقت و راستگویی
-گفتار هفتم: اسباب کاهش رزق
-۱. گناهان خاص و کاهش رزق
-۲. ناسپاسی
-۳. خواب در اوقات نامناسب
-دروغگویی، فحش دادن، خیانت، موجبات فقر
-مبحث پنجم: نظرات فرق اسلامی در رزق و ادله آنها

بخش سوم:

رابطه اقسام عدل با انواع رزق

-فصل اول رابطه عدالت الهی و رزق دینی
-مبحث اول: رابطه عدل تکوینی و رزق دینی
-گفتار اول: قوه عقلانی، اقتضای عدالت تکوینی
-مبحث دوم: رابطه عدالت تشریعی و رزق دینی

گفتار اول: دین و احکام شریعت (تکالیف).....	
مبحث سوم: رابطه عدالت جزایی و رزق دینی.....	
گفتار اول: شواهد عدالت جزایی در رزق دینی.....	
الف) عذاب روح از گناهان.....	
ب) عذاب روح، دوری از خداوند.....	
ج) غم و اندوه و حسرت بی پایان.....	
د) شادی و طراوت روح.....	
مصادیق شادی و طراوت روح.....	
۱. قرب و نزدیکی خداوند.....	
۲. قرب و نزدیکی به اهل بیت % و بدست آوردن مقام شفاعت.....	
۳. شادی روح از انجام اعمال صالح.....	
فصل دوم رابطه عدالت الهی و رزق دنیوی (مادی).....	
مبحث اول: رابطه عدالت تکوینی و رزق مادی.....	
گفتار اول: رابطه عدل تکوینی با خلقت انواع مختلف حیوانات و گیاهان.....	
گفتار دوم: رابطه عدل تکوینی با رزق مادی انسان ها.....	
گفتار سوم: رابطه عدل تکوینی و حیات نباتی.....	
گفتار چهارم: رابطه عدل تکوینی با وجود منابع طبیعی.....	
مبحث دوم: رابطه عدالت تشریعی و رزق مادی.....	
گفتار اول: نقش ایمان و عمل صالح در رزق مادی.....	
گفتار دوم: برخی از مصادیق رزق مادی در عدالت تشریعی.....	
الف) سلامتی خود و خانواده.....	
ب) نقش سعی و تلاش در شریعت اسلام و رابطه ی آن با رزق مادی.....	
مبحث سوم: رابطه عدالت جزایی و رزق مادی.....	
گفتار اول: شواهد رزق مادی در عدالت جزایی.....	

گفتار دوم: عدل الهی و عذاب جسمانی.....

مبحث چهارم: پاسخ به شبهات پیرامون، رابطه عدل تکوینی و رزق الهی.....

گفتار اول: نسبی بودن بلا و نعمت

گفتار دوم: نعمت و نعمت زائیده فکر ناقص بشر.....

گفتار سوم: مصلحت بندگان مهمترین تفاوت در رزق و روزی تکوینی.....

گفتار چهارم: تفاوت، منشاء اختلاف بندگان در رزق تکوینی نه تبعیض رزق.....

گفتار پنجم: نکاتی درباره برتری ظاهرانه.....

الف) سهل انگاری های فردی و اجتماعی، یکی از عوامل اصلی تفاوت ها.....

ب) تفاوت ها لازمه آفرینش.....

ج) اختلاف طبقاتی عاملی در تبعیض.....

گفتار ششم: دقت در استعداد و نقاط قوت، و سعی و تلاش در پرورش آن.....

گفتار هفتم: رزق و نعمت، امانت الهی نزد بشر.....

گفتار هشتم: نیکویی رزق کفاف همراه با قناعت.....

گفتار نهم: عدل الهی و آزمایش.....

گفتار دهم: زوال پذیری و بی ارزشی ارزاق و نعمت های الهی و مسئولیت داشتن در قبال نعمت ها و ارزاق الهی.....

گفتار یازدهم: جایگزینی اعمال صالح در برابر انفاق در راه خدا.....

گفتار دوازدهم: طغیان انسان ها، عاملی برای تغییر رزق.....

گفتار سیزدهم: صبر، شکر گذاری و برقراری زندگی، علت تفاوت رزق و روزی مردم.....

گفتار چهاردهم: شمولیت دامنه رزق.....

گفتار پانزدهم: نقش کفران نعمت، در تغییر رزق و شبهات مطرح شده در آن.....

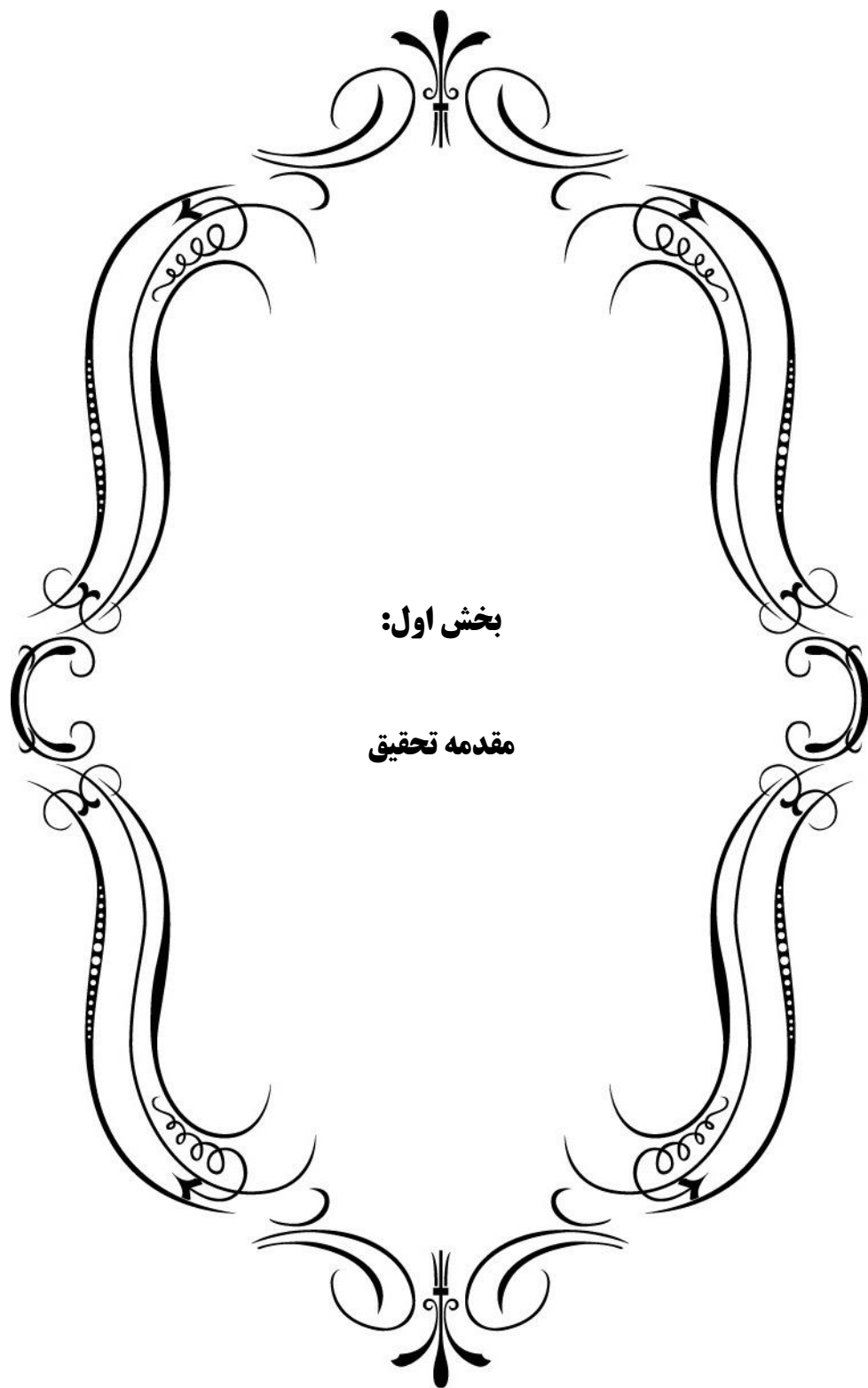
الف) منظور از تبدیل نعمت چیست.....

ب) انسان مسبب مصیبت ها و گرفتاری ها.....

ج) وجود گناهان جمعی در بعضی از کمبودها.....

گفتار شانزدهم: عدم اهتمام مسئولین به وضع اقتصادی و معیشتی مردم.....

گفتار هفدهم: شبهه رزق مقسوم و درآمد بدست آمده از کسب.....
گفتار هجدهم: عدم منافات طلب رزق از خداوند با روزی مقدر.....
گفتار نوزدهم: عدم منافات سعی و تلاش با توکل داشتن به خدا، برای رسیدن به رزق.....
گفتار بیستم: رابطه افزایش نعمت با گناه و چرایی آسایش کفار در دنیا.....
الف) بی ارزشی زخارف دنیوی.....
ب) عذاب استدراجی کفار با افزایش رزق.....
ج) امتحان و آزمایش کفار.....
د) رنج و سختی کفار همراه با ثروت زیاد.....
ه) تسویه حساب کفار در دنیا.....
نتیجه گیری.....
کتابنامه.....



با دقت در عالم خلقت، نظم و هماهنگی و انسجام در پدیده های آن تحت قوانین خاصی برقرار است، حتی در کوچکترین جزء این جهان این نظم و قانونمندی به زیبایی مشاهده می شود و همه چیز روی نظام حکیمانه سر جای خودش قرار گرفته است، به گونه ای که کوچکترین خلل در این نظام، نظم موجود در آن را به کلی برهم می زند، با این حال مواردی در این عالم نظام مند دیده می شود که با چشم ظاهر و با نگاه اولیه با پیوستگی و نظم این عالم سازگاری ندارد، از آن موارد می توان برخی از تفاوتها و اختلاف ها در موجودات جهان را نام برد، که با دید ظاهر تبعیض و اجحاف در موجودات عالم رخ داده است.

و اینکه این همه ناهمگونی چگونه با صفت عدل الهی در خلقت و تدبیر و رزق و روزی موجودات عالم سازگاری دارد، زیرا این تفاوت ها در رزق و روزی مستقیم یا غیرمستقیم فعل خداوند هستند، لذا وجود این موارد در عالم شبهات و اشکالات بسیاری را در ذهن ها ایجاد کرده است که اگر خداوند عادل است و همه امور او روی حکمت و علم و عدالت است، وجود این همه مشکلات و تبعیض ها و تفاوتهای موجودات در رزق و روزی، چگونه با عدالت و حکمت الهی در تمام عالم سازگاری دارد؟

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام و به دنبال آنها متکلمین اسلامی به این سوالات و شبهات جواب های متعدد و متنوعی را مطرح نموده اند از آن پاسخ ها موارد ذیل را می توان بیان کرد:

تفاوت رزق و روزی براساس مصلحتی است که خداوند می داند ولی ما از آن بی خبریم، گاهی یک رزق و نعمت برای یک نفر خیر و مصلحت دارد ولی همان رزق برای شخصی دیگر مضر و مفسده دارد، در خیلی از این موارد با گذشت زمان مصلحت الهی برای ما هویدا و آشکار می شود، یکی دیگر از فلسفه های تغییر در رزق و روزی افراد امتحان و ابتلای افراد می باشد، که چگونه با نعمت و رزق الهی رفتار می کنند و آیا شکر آنها را بجا آورده و در مسیر صحیح استفاده می کنند و آیا صاحبان نعمت و رزق الهی، سهم فقرا و بیچارگان را می دهند، یکی دیگر از این پاسخ ها این است خداوند به هر انسانی ویژگی و استعداد خاصی داده است، که هر شخصی باید استعداد و توانایی خود را دریابد و در آن زمینه تلاش و کوشش و همت کند، و از همه مهمتر ما انسان ها رزق و نعمت را تنها در امور مادی می بینیم در حالی که ارزاق معنوی بسی والاتر و مهمتر می باشد، و نیز اموری باعث افزایش و کاهش رزق انسان می شود که توجه به آنها می تواند تاثیر بسزایی در رزق و روزی ما داشته باشد. با توجه به این نکات دانسته می شود عدالت الهی بر بندگان به طور یکسان جاری است، لذا اگر تفاوتی هم وجود دارد به سبب قابلیت وجودی موجودات و به مقتضای حالشان است.

بر همین اساس تحقیق حاضر برای این امر نگاشته شده است، تا به بررسی رابطه عدل الهی و رزق و نعمت، شرایط و احکام آن و رابطه آنها با انواع و اقسام آن پردازد و سپس به پیرامون شبهات و سوالات موجود درباره عدل الهی و تفاوت در رزق و نعمت موجودات پرداخته می‌شود، تا دیگر در انسان شک و شبهه در زمینه عدل الهی باقی نماند و با ایمانی راسخ و بینش صحیح درجات کمال را بیماید.

ضرورت و اهمیت مساله

با توجه به شبهات موجود در جامعه بشری در زمینه عدل الهی و اینکه این همه تفاوت چگونه با عدل الهی سازگاری دارد، پرداختن به رابطه عدل الهی با رزق و نعمت اهمیت شایانی دارد، می‌توان گفت پرداختن به چنین موضوعاتی تأثیر مستقیمی در تضعیف ایمان و دین‌گریزی و احساس پوچی و بی‌هدفی و شبهه ظلم از جانب خداوند متعال خواهد شد. چرا که اگر انسان این همه تفاوت‌ها در رزق و روزی را در بین افراد ببیند و پاسخی برای آنها نداشته باشد و یا نتواند آنها را با عدل الهی توجیه کند ارکان ایمانش متزلزل می‌شود و راه ورود شک و شبهه و عقاید ناصحیح را فراهم می‌نماید، چون اگر مساله عدل الهی نسبت به خداوند متعال حل نشود، شبهه ظلم نسبت به حضرت باری تعالی جریان می‌یابد. بر این اساس پژوهش حاضر در خصوص این مساله، بسیار با اهمیت جلوه می‌نماید، از این رو تحقیق حاضر علاوه به پرداختن به این مهم، در پی پاسخ به شبهات موجود در این زمینه می‌باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع در زمان‌های مختلف، تحقیق در زمینه رابطه عدل الهی با رزق و نعمت اهمیت بسیاری پیدا می‌کند، لکن تاکنون به پژوهش مستقلی با این عنوان و به این صورت دست نیافته‌ام. البته طرح این مسئله با عناوین و قالب‌های مختلف در کتابهای علمایی همچون شیخ مفید، قاضی عبدالجبار، فخر رازی، سیوطی، سید مرتضی، محقق طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، کتاب تجرید الاعتقاد پرداخته شده است و همچنین مقالات و پایان‌نامه‌هایی همچون پایان‌نامه آقای خفاجه با موضوع: (رابطه عدل الهی با اعطاء عوض بر مصایب و آلام) در این پایان‌نامه بحث از این است که چه ارتباطی بین عادل بودن خداوند متعال و وجوب اعطاء عوض بر آلام ابتدایی وارده بر بندگان وجود دارد؟ و از طرفی خداوند متعال به احدی از موجودات ظلم نمی‌کند لذا فلسفه‌ی این آلام ابتدایی برای چیست؟ و آیا عوض دادن خداوند در برابر این آلام با عدالت الهی سازگاری دارد، لذا در این پایان

نامه از ابتلاء برخی موجودات و اعطاء عوض به آنها و ارتباط بین عادل بودن و اعطاء عوض سخن به میان می آید. و آقای طاهری اطهر با موضوع: (تأثیر فعل در رزق انسان) این پایان نامه بحث از این می باشد که افعال انسان چه تاثیری بر کیفیت و کمیت رزق دارد، از نظر آیات و روایات افعال انسان (جوارحی و جوانحی) تاثیر مستقیمی در رزق دارد. اما در این پایان نامه سعی شده است ابتدا مطالب مرتبط با بحث عدل الهی و رزق و نعمت آورده شود مانند: انواع و اقسام رزق و عدل تا بتوان با اشراف کامل به بحث رابطه ی عدل الهی با رزق و نعمت پرداخت.

پرسی های پژوهش

سوال اصلی

چه ارتباطی میان عدالت حق تعالی و رزق و نعمت های الهی وجود دارد؟

سوالات فرعی

۱. چه ارتباطی بین عدالت الهی و رزق دینی وجود دارد؟
۲. چه ارتباطی بین عدالت الهی و رزق دنیوی (مادی) وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

۱. رابطه یا سازگاری بین عدالت الهی و رزق دینی تنگاتنگ است و هیچ گونه ناسازگاری و اختلاف در آن ها دیده نمی شود.
۲. رابطه یا سازگاری بین عدالت الهی و رزق مادی، وثیق و محکم می باشد و هیچ گونه ناسازگاری و اختلاف در آنها دیده نمی شود.

نوآوری پژوهش

موضوع تحقیق یک موضوع کاربردی در عرصه های اعتقادی، روانشناسی، اجتماعی و امور تربیتی است، و در برطرف کردن یاس و ناامیدی در جامعه تاثیر بسزایی دارد. و تا جایی که تتبع صورت گرفته، در چگونگی تقسیم

بندی انواع و مراتب رزق و اسباب افزایش، کاهش رزق سعی شده است تقسیم بندی جدیدی ارائه شود و در نام گذاری عناوین برای اقسام رزق تلاش بر این بوده است که عناوین جدیدی به کار برده شود لذا در رابطه رزق با نعمت نوآوری صورت گرفته است و تا جایی که تتبع صورت گرفته است، علما در علم کلام نعمت را اعم از رزق شمرده اند، در حالی که می توان رزق را اعم از نعمت تصور کرد لذا رابطه را می توان عموم و خصوص مطلق لحاظ کرد که در متن به آن پرداخته شده است. همچنین در بخش سوم، رابطه عدل الهی با رزق، با اقسام شان آورده شده است و سعی شده در این تقسیم بندی، نوآوری صورت بگیرد و در بخش شبهات در مبحث عدالت تکوینی سعی شده است عناوین جدیدی به کار برده شود. و نیز سعی شده است شبهاتی مبتلا به مطرح شود تا بسیاری از سوالات بنیادی پاسخ داده شود.

روش پژوهش

روشی که در این تحقیق لحاظ شده است، شیوه توصیفی تحلیلی بوده و فرضیه های طرح شده ذیل مساله اصلی با این روش به اثبات رسیده است.

ساختار

این تحقیق در سه بخش به ترتیب زیر تدوین شده است:

بخش اول و دوم پایان نامه به بحث مقدماتی پرداخته شده است، و تعریف ها و مقدمات مساله بیان شده است
بخش سوم به موضوع اصلی پایان نامه، یعنی رابطه عدل الهی با سه قسم خودش (تکوینی، تشریعی، جزایی) با انواع و اقسام رزق بیان می شود، جواب به شبهات، علت و چگونگی کم و زیاد بودن رزق الهی در ذیل عدل تکوینی سخن به میان آمده است. تا به این شکل ترتیب و تقدم و تاخر مطالب حفظ شود.

بخش اول : مقدمه و پیشگفتار

در این بخش به توضیح اجمالی مساله، پیشینه، اهداف، نوآوری، روش پژوهش و ... در حد ضرورت پرداخته شده است.

بخش دوم : کلیات و مبادی تحقیق و پیش فرض ها

این بخش به سه فصل تقسیم شده است :

فصل اول:

مفاهیم اساسی و کلمات اساسی که در این تحقیق تاثیر گذارند از جمله: واژه های رابطه، عدالت، رزق، نعمت، عدل، انسان، ظلم از حیث لغت و اصطلاح پرداخته شده، و نیز اقسام و مراتب عدل و رزق بیان شده است.

فصل دوم:

در این بخش عدل الهی در بینش اسلامی، حقیقت عدالت الهی، مبانی عدل الهی (نظرات عدلیه و اشاعره درباره عدل الهی، جایگاه و اهمیت حسن و قبح، تاکید قرآن و روایات بر حسن و قبح عقلی، نظریه نسبیت عدل الهی و نقد آن)، ادله اثبات عدل الهی، فواید اعتقاد به عدل الهی و سنن الهی و نظریات در این باره بحث شده است. وجه تقدیم این بخش هم بخاطر این است که ابتدا باید عدل الهی و مبانی آن مورد بررسی قرار بگیرد، سپس به رابطه رزق و نعمت با عدل الهی پرداخته شود.

فصل سوم:

در این بخش حقیقت رزق و دلایل عقلی و نقلی بر آن، نظرات فرق اسلامی بر رزق و ادله آنها پرداخته شده است.

بخش سوم:

در این بخش موضوع اصلی پایان نامه تبیین می شود که رسالت اصلی این تحقیق است، در این بخش رابطه عدل الهی با اقسام خود با رزق مادی و دینی بررسی می شود که شامل فصل های زیر می باشد:

فصل اول: رابطه ی عدالت الهی (تکوینی، تشریعی، جزایی) و رزق دینی

فصل دوم: رابطه ی عدالت الهی (تکوینی، تشریعی، جزایی) و رزق دنیوی (مادی)

در رابطه با عدل تکوینی الهی، شبهات و سوالات زیادی وجود دارد که پاسخ به آنها، طبق عناوین آورده می شود.



فصل اول: مفاهیم اساسی

مبحث اول: رابطه در لغت و اصطلاح

گفتار اول: ربط در لغت

در لغت ربط، اتصال و ارتباط دو یا چند چیز با هم را می گویند، که این معنا نتایج و آثار مختلفی می تواند داشته باشد، که یکی از آثار آن، وثوق و اطمینانی است که به دنبال این اتصال و ارتباط می آید؛ نتیجه آن آرامش قلبی و روحی و از بین رفتن اضطراب می باشد.^۱

شاهد این مطلب در قرآن کریم آنجاست وقتی خداوند متعال می فرماید: «وَلَيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ»^۲ آرامش و اطمینان موجود در روح و قلب را نگذاشتیم خارج شود و پیوند آن را مستحکم کردیم، که نتواند اضطراب جای آن را بگیرد
شاهد دیگر:

«وَأَصْبَحَ قُودًا أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنَّ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ کلمه "ربطنا" از ماده "ربط" است، و ربط بر هر چیز، منظور بستن آن است، و در آیه شریفه کنایه از اطمینان دادن به قلب مادر موسی علیه السلام است. و مراد از فراغت قلب مادر موسی این است که: دلش از ترس و اندوه خالی شد، و لازمه این فراغت قلب این است که دیگر خیال های پریشان و خاطرات وحشت زار در دلش خطوط نکند، و دلش را مضطرب نکند و دچار جزع و ترس نگردد، و در نتیجه اسرار فرزندش موسی را که می بایست مخفی کند، اظهار نکند و دشمنان پی به راز وی نبرند.^۴

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۱۷؛ ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، ج ۷، ص ۳۰۲؛ حسینی واسطی زیدی، سید مرتضی؛ *تاج*

العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۲۵۹؛ مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج ۸، ص ۲۹.

۲. انفال / ۱۱.

۳. قصص / ۱.

۴. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، ص ۱۲.

شاهد: خداوند متعال درباره اصحاب کهف می فرماید: «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا»^۱؛ و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم: آنان جوانمردانی بودند که به خداوند ایمان آورده و خداوند نیز بر هدایتشان افزود و سپس می فرماید: قلب‌هایشان را را به یقین به حقایق ربط دادیم یعنی محکم و تقویت کردیم. یعنی ارتباط قلبی آنها با خداوند چنان محکم و اتصال پیدا کرد که تا پای جان بر عقیده خود استوار ماندند.

شاهد دیگر صاحب مجمع البحرین می فرماید: ربط دادن قلب، یعنی اتصال و محکم کردن و اطمینان دادن به قلب می باشد. و این که همه عبادت‌ها ارتباطی ما بین انسان با خداوند است که هر چه این ارتباط بیشتر و محکم تر باشد آرامش انسان بیشتر و اضطرابش کمتر است.^۲

یکی دیگر از این آثار، حزم و دور اندیشی و لزوم و ثبوت است؛ کسی که خود را به چیزی ربط و اتصال داد و آن چیز خودش دارای استحکام زیادی بود در حقیقت این خودش دور اندیشی و مواظبت داشتن و لزوم کار و عمل خویش می باشد.

در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن رابطه، به معنای توثیق و بستن شمرده شده است و مفاهیمی از قبیل ثبوت و وثوق و حزم و لزوم از آثار و لوازم این اصل است.^۳

گفتار دوم: ربط در اصطلاح

در اصطلاح ادبی و منطقی ربط، به نسبت میان دو کلمه یا دو جمله را می گویند و آنچه دو یا چند کلمه و جمله را بهم پیوند (مانند: نه، مگر، پس، چون، چه، تا شاید، اگر). جمله‌هایی که نیاز به ربط دارند عبارتند از جمله خبریه. صفت، صله، حال، مفسره، مشتغل عنه العامل، بدل بعض، - بدل اشمال، معمول صفت مشبه، عاملان در باب تنازع، جواب اسم شرط، الفاظ توکید مانند عین و نفس که رابط آنها ضمیری است که آنها را بما قبل خود ربط دهد^۴

۱. کهف/۱۴.

۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۸.

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۲۹.

۴. سجادی، جعفر، معارف اسلامی، ج ۲، ص ۸۹۵، همان، ص ۸۹۵.

همچنین در اصطلاح منطقی، نسبت میان موضوع و محمول را ربط گویند و یا آن لفظی که میان موضوع و محمول را ربط دهد رابطه گویند مانند لفظ هو یا یکون و غیره که اگر رابطه ذکر شود قضیه ثلاثی می شود و گرنه ثنائی است.^۱ و گاهی به نسبت دو جمله به یکدیگر (مقدم و تالی) که پیوستگی لزومی بین دو جمله شرطیه دارند ربط و پیوستگی می گویند.^۲ می توان گفت ربط در محل بحث یعنی اتصال و ارتباط دو چیز با هم می باشند، که به دنبال آن وثوق و اطمینان حاصل می شود.

مبحث دوم: اسم و صفت در لغت و اصطلاح

گفتار اول: اسم و صفت در لغت

از آنجایی که موضوع پایان نامه در رابطه با عدل الهی و رزق می باشد، و از طرف دیگر چون با عناوینی مثل رزق، رازق، عدل، عادل و ... سروکار داریم، لذا نیاز است که اولاً اسم و صفت معنای آن مشخص شود ثانیاً این اصطلاحات که در متن پایان نامه بکار برده شده اند، اسم و صفت بودن آن ها مشخص شود. قبل از ورود در معنای لغوی و اصطلاحی عدل و رزق الهی، ابتدا درباره خود واژه اسم و صفت می پردازیم:

اسماء جمع اسم از ریشه «س م و» به معنی بلندی و ارتفاع است، اطلاق واژه اسم یا به این جهت است که مفهوم آن پس از نام گذاری، از مرحله خفا و پنهانی به مرحله بروز و ظهور می رسد، یا به این جهت که لفظ با نام گذاری معنا پیدا می کند و از بی معنا بودن در آمده است، علو و ارتفاع می یابد^۳ و به واسطه اسم، مسمّا یاد شده و شناخته می شود^۴ صفت به معنای حالتی است که در چیزی یافت می شود^۵ کلمه صفت همان کلمه وصف است که واو، آن حذف و تاء در عوض به آخر آن افزوده شده است. برخی گفته اند: صفت برگرفته از وصف، به معنای زیور و زیبایی موجود در موصوف است^۶

۱. همان، ج ۲، ص ۸۹۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۹۵.

۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *نمونه*، ج ۱، ص ۲۰.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات*، ص ۴۲۸.

۵. همان، ص ۸۳۳.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۵، ص ۳۱۵.

گفتار دوم: اسم و صفت در اصطلاح

أَسْمَاءُ وَ صِفَات، دو اصطلاح در علم کلام برای نام‌ها و صفات‌های خداوند متعال می‌باشد؛ اسم، بر ذاتی دلالت می‌کند که به صفتی موصوف شده است، مانند عالم، و صفت، بر معنایی مانند علم دلالت می‌کند که ذات به آن متّصف می‌شود بدون اینکه ذات لحاظ بشود.^۱

گفتار سوم: فرق اسم و صفت

عبدالرزاق لاهیجی در گوهر مراد صفات را به دو دسته صفات سلویه و صفات ثبوتیه تقسیم می‌کند و صفات ثبوتیه را به سه نوع، حقیقه محضه، مانند حیات؛ اضافه محضه، مانند خالقیت و رزاقیت و حقیقه ذات اضافه، مانند عالمیت و قادریت تقسیم کرده است. ایشان صفات حقیقه محضه را عارض بر ذات نمی‌داند بلکه عین ذات می‌داند. او صفات ثبوتی را هفت صفت می‌داند که عبارتند از: قدرت، علم، حیات، سمع، بصر، تکلم می‌باشد.

و در تفاوت اسم و صفت می‌فرماید: هر لفظی که بدون اعتبار صفتی از صفات، بر ذات دلالت کند، اسم می‌گویند، مانند: احمد، زید؛ و هر لفظی که به اعتبار صفتی از صفات بر ذات دلالت کند، آن را صفت می‌نامند، مانند ضارب و قائم، لذا می‌توان گفت ذات و صفت در معانی و مفهومات مقابل هم هستند و اسم و صفت در الفاظ و عبارات مقابل هم هستند. اما درباره خداوند متعال هر لفظی که بدون لحاظ ذات، فقط بر صفتی دلالت کند، صفت نامیده می‌شود، مانند علم، قدرت؛ و هر لفظی که به اعتبار صفتی دلالت بر ذات کند، اسم نامیده می‌شود، مانند عالم، قادر، عادل، رازق.^۲ به عبارتی در اسم، صفت با ملاحظه ذات ملاک می‌باشد ولی در صفت ذات لحاظ نشده بلکه صفت فقط مبداء اسم می‌باشد. مثلاً تمام مشتقات که دعای جوشن کبیر آمده است اسم هستند.

در علم کلام اسم، آن لفظی است که بر صیرف ذات دلالت می‌کند؛ مانند: الله، انسان یا بر ذاتی که به وصفی متّصف است دلالت می‌کند مانند: عالم و قادر و یا بر مبداء فعل دلالت می‌کند؛ مانند: رازق و خالق اما صفت تنها یک کاربرد دارد و تنها بر مبداء دلالت می‌کند بدون اینکه علامتی بر ذات بوده باشد؛ مانند: علم، قدرت، رزق و خلقت،

۱. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۳۵۲.

۲. لاهیجی، عبدالرزاق؛ گوهر مراد، ص ۱۵۹ و ۱۸۷.

به همین جهت می‌توان اسم را محمول قرار داده و آن را بر ذات حمل کرد و گفت: خداوند عالم یا خالق یا رحمان یا رحیم است؛ ولی صفت را نمی‌توان محمول قرار داد و گفت: خداوند خلق است.^۱

ذاتی یا فعلی بودن صفات رزق و عدل

ذاتی یا فعلی بودن یک صفت یکی از مباحثی است که در علم کلام از آن بحث می‌شود. در این مجموعه چون به پیرامون دو صفت عدل و رزق با عناوین و مباحث مختلف پرداخته شده است لذا لازم است این صفات از لحاظ ذاتی یا فعلی بودن نیز مشخص شود. علمای امامیه بر این باورند که این صفات جزء صفات فعل الهی است. حال به تعریف این دو صفت می‌پردازیم:

صفات فعل یعنی صفاتی که از فعل خداوند انتزاع می‌شود و در اتصاف ذات به آن صفات محتاجیم به اینکه فعل او را هم در نظر بگیریم همانند عدل، حکمت، خالقیت، رزق، امانه و احیاء و ... و یا اراده فعلیه حق که همان ایجاد است وجود دارد و این از صفات فعل است نه ذات، به عبارتی دیگر برای انتساب این صفات به خداوند متعال باید غیر از خداوند متعال را ملاحظه کرد یا بعبارتی فرض دو طرف لازم است. و نیز صفات فعل خارج از ذات خداوند است و از فعل خداوند انتزاع می‌شوند. همه صفات فعل به صفت قیومیت برمی‌گردد. مثلاً در انتساب صفت رزق به خداوند باید یک موجودی دیگر فرض شود تا بتوان رزق الهی را نسبت به او فرض کرد. مانند صفت خالق و رازق و رحیم، که از خلقت و رزق و رحمت او انتزاع می‌شوند.^۲

مبحث سوم: عدل در لغت و اصطلاح

برای در امان ماندن از مغالطه و لغزش باید ابتدا معنای عدل و ظلم را تعریف نماییم. ، زیرا تا مفهوم اصلی و دقیق عدل و ظلم روشن نشود هر تلاش و کوششی در تبیین موضوع عدل فایده‌چندانی ندارد؛

۱. محدث، سید هادی، مفاهیم القرآن، ج ۶، ص ۳۳.

۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، شرح کشف المراد، شارح محمدی، شرح کشف المراد، ص ۱۷۱؛ مظفر، محمد رضا، بدایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإمامیة، ج ۱، ص ۴۳؛ سبحانی تبریزی، جعفر؛ الإلهیات علی هدی الکتاب و السنّة و العقل، ج ۱، ص ۸۴؛ موسوی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص، ۴۸۰؛ همان، ج ۷، ص، ۳۷؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ۱۰، ص ۱۴۹ تا ۱۵۱.

گفتار اول: عدل در لغت

اصل واحد در ماده عدل، وسط بین افراط و تفریط است به گونه ای که در آن زیادی و نقیصه نباشد که این حالت همان حالت اعتدال است و به مناسبت این اصل واحد در ماده این عدل معانی از قبیل اقتصاد، مساوات، قسط، استوا و استقامت را به همراه قید برای عدل ذکر می کنند و هرگاه این کلمه با حرف عن به کار رود به معنای اعراض و انصراف و تمایل خواهد بود و مصادیق این معنا از عدل عبارتست از: عدالت در رای و فکر، در صفات نفسانی، در اعمال و در هوای نفس می باشد.^۱

در کتاب العین و لسان العرب عدل را در لغت این گونه تعریف می کنند: عدل مفهومی ضد جور و ظلم است و همان چیزی است که دل ها آن را مستقیم و درست در می یابند.^۲ عدل در لغت به معانی مختلفی استعمال شده است که در ذیل به آن اشاره می کنیم:

الف. موزون بودن: اگر مجموعه ای را در نظر بگیریم که در آن، اجزاء و قسمت های مختلفی بکار رفته است و هدف خاصی از آن مورد نظر است، باید شرائط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر رعایت شود، و تنها در این صورت است که آن مجموعه می تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بدهد و نقش منظور را ایفا نماید. مثلاً یک اجتماع اگر بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد، یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. یک اجتماع متعادل، به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضائی، تربیتی احتیاج دارد و این کارها باید میان افراد تقسیم شود و برای هر کدام از آن کارها به آن اندازه که لازم و ضروری است افراد گماشته شوند.

جهان، موزون و متعادل است؛ اگر موزون و متعادل نبود برپا نبود، نظم و حساب و جریان معین و مشخصی نبود. در قرآن کریم خداوند متعال می فرماید:

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»^۳ و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت،

پیامبر ۹ می فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ آسمان ها و زمین، با عدالت، پا برجا می مانند.^۴

۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۵۵.

۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، ج ۲، ص ۱۱۵۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۳. الرحمن ۷.

۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی الاکلی، ج ۴، ص ۱۰۳.

نقطه مقابل عدل به این معنی، بی‌تناسبی است نه ظلم. لذا عدل به این معنا از موضوع بحث ما خارج است. که این تبعیض‌ها و تفاوت‌ها و بدی‌ها از نظر نظام کلی عالم لازم و ضروری است.^۱

شک نیست که از نظر نظام عالم، و از نظر تناسب ضروری در مجموعه ساختمان جهان، وجود آنچه هست ضروری است، ولی این مطلب جواب شبهه ظلم را نمی‌دهد

بحث عدل به معنی تناسب، در مقابل بی‌تناسبی، از نظر کل و مجموع نظام عالم است؛ ولی بحث عدل در مقابل ظلم، از نظر هر فرد و هر جزء مجزا از اجزاء دیگر است. در عدل به مفهوم اول، مصلحت کل مطرح است و در عدل به مفهوم دوم، مسأله حق فرد مطرح است. بنابراین ممکن است کسی بگوید: من منکر اصل تناسب در کل جهان نیستم، ولی می‌گویم رعایت این تناسب، خواه ناخواه مستلزم برخی تبعیض‌ها می‌گردد؛ آن تبعیض‌ها از نظر کل جهان، خوب است ولی از نظر جزء، ناروا و نامطلوب است.

عدل به معنی تناسب و توازن، از شئون حکیم بودن و علیم بودن خداوند است، خداوند علیم و حکیم به مقتضای شمولیت علم و حکمت عام خود می‌داند که برای ساختمان هر چیزی، از هر چیزی چه اندازه لازم و ضروری است و همان اندازه در آن قرار می‌دهد، به طور خلاصه موزون و متعادل بودن، یعنی هر چیزی با توجه به استعداد های درونی و لیاقت‌هایی که دارد سر جای خودش قرار بگیرد. و اگر اینگونه نبود و مثلاً به همه به طور یکسان نگریسته شود ظلم صورت گرفته است، چون به هر کس براساس داشته‌های او داده نشده است.

ب- تساوی بین دو نفر

«العدل: خلاف الجور، و العدل لغة هو التسوية بين الشيئين».^۲

معنی دوم عدل، تساوی و نفی هرگونه تبعیض است. گاهی که می‌گویند: فلانی عادل است، منظور این است که هیچ‌گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شود. بنابراین، عدل را مساوات معنا کرده‌اند.

این تعریف نیازمند به توضیح است. اگر مقصود این باشد که عدالت ایجاب می‌کند که هیچ‌گونه استحقاقی رعایت نگردد و با همه چیز و همه کس به یک چشم نظر شود، این عدالت عین ظلم است. اگر اعطاء بالسویه، عدل باشد، منع و جلوگیری بالسویه هم عدل خواهد بود. جمله عامیانه معروف: «ظلم بالسویه عدل است» از چنین دیدگاهی پدید آمده است.

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱ ص ۷۸.

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.

و اما اگر مقصود این باشد که عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق های متساوی، این معنی درستی است؛ عدل، ایجاب می کند اینچنین مساواتی را، و اینگونه مساوات از لوازم عدل است؛ ولی در این صورت بازگشت این معنا به معنای سومی است که بیان می شود^۱ و آن این است:

عدالت از یک نظر ملازم است با مساوات، مساوات یعنی به همه به چشم مساوی نگریستن و تبعیض قائل نشدن. لازمه این گونه مساوات، عدالت است، یعنی این است که به هر کسی هر اندازه استحقاق دارد به او داده شود، اگر زیاد استحقاق دارد زیاد داده شود و اگر کم استحقاق دارد کم داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد. اما اگر مساوات را مساوات در «اعطاء» فرض کنیم که بدون رعایت استحقاق ها و درجه استحقاق ها به همه افراد برابر یکدیگر داده شود، این گونه مساوات بر خلاف عدالت است و ملازم با ظلم است، همچنانکه مساوات در منع کردن نیز ظلم است، یعنی اینکه همه مانند هم و بدون هیچ تبعیضی نسبت به آنچه استحقاق دارند محروم و ممنوع بمانند.^۲

گفتار دوم: عدل در اصطلاح

عدل در اصطلاح به دو معنای عام و خاص گرفته شده است.

۱- «وضع الشيء فی موضعه» معنای عام عدل می باشد. یعنی هر چیزی سر جای خودش گذاشته شود. رعایت استحقاق ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان دارد.

موجودات در نظام هستی از نظر قابلیت ها و امکان فیض گیری از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوتند؛ هر موجودی در هر مرتبه ای هست از نظر قابلیت استفاضه و بهره مندی، استحقاقی خاص به خود دارد. خداوند متعال که کمال مطلق و خیر مطلق و قیاض علی الاطلاق است، به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، اعطا می کند و امساک نمی نماید. عدل الهی در نظام تکوین، طبق این نظریه، یعنی هر موجودی، هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد دریافت می کند. ظلم یعنی منع فیض و امساک جود و بخشش از وجودی که استحقاق دارد.

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۸۱، ۸۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۲.

از نظر حکمای الهی، صفت عدل آنچنان که لایق ذات پروردگار است و بعنوان یک صفت کمال برای ذات احدیت اثبات می‌شود به این معنا است، و صفت ظلم که نقص است و از او سلب می‌گردد نیز به همین معنا است.^۱

۲- «اعطاء کل ذی حق حقه» معنای خاص آن می‌باشد. یعنی حق هر صاحب حقی را به او بدهی.^۲

یعنی اینکه رعایت حقوق افراد بشود و حق هر صاحب حقی به او داده بشود؛ و ظلم عبارت است از اینکه حقوق دیگران را پامال و مورد تصرف قرار بگیرد. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند این عدالت متکی بر دو چیز است:

یکی حقوق و اولویتهای، یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر، نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند. مثلاً کسی که با کار خود، محصولی تولید می‌کند، طبعاً نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، کار و فعالیت اوست. همچنین کودکی که از مادر متولد می‌شود، نسبت به شیر مادر حق و اولویت پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، دستگاه هدفدار خلقت است که آن شیر را برای کودک بوجود آورده است.

یکی دیگر خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه که آنها را اندیشه اعتباری می‌نامیم استخدام می‌کند و با استفاده از آن اندیشه‌های اعتباری به عنوان ابزار فعل به مقاصد طبیعی خود نائل می‌آید. آن اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌های انشائی است که با باید ها مشخص می‌شود. از آن جمله این است که برای اینکه افراد جامعه بهتر به سعادت خود برسند باید حقوق و اولویت ها رعایت شود. و این است مفهوم عدالت بشری که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند و نقطه مقابلش را که ظلم نامیده می‌شود محکوم می‌سازد.

این معنا از عدل و ظلم، به حکم اینکه از یک طرف، بر اساس اصل اولویت ها است و از طرف دیگر از یک خصوصیت ذاتی بشر ناشی می‌شود که ناچار است یک سلسله اندیشه‌های اعتباری استخدام نماید و باید ها و نباید ها بسازد و حسن و قبح انتزاع کند، از مختصات بشری است و در ساحت کبريائی راه ندارد؛ زیرا او مالک علی الاطلاق است و هیچ موجودی نسبت به هیچ چیزی در مقایسه با او اولویت ندارد. او همچنان که مالک علی الاطلاق است «اولی» ی علی الاطلاق است. او در هر چه هرگونه تصرف کند، در چیزی تصرف کرده که تمام هستی به او تعلّق دارد و ملک طلق او است. از این رو ظلم به این معنا، یعنی به معنا تجاوز به اولویت دیگری و تصرف در حق

۱. همان، ج ۱، ص ۸۲، ۸۱، ۸۰ خزائلی، محمدعلی، متن، شرح و تفسیر دعای ابو حمزه ثمالی، ص ۳۱۶.

۲. خزائلی، محمدعلی، متن، شرح و تفسیر دعای ابو حمزه ثمالی؛ ص ۳۱۶.

دیگری و پا گذاشتن در حریم دیگری، درباره او محال است؛ و از آن جهت محال است که مورد و مصداق نمی تواند پیدا کند.^۱

از آنجا که ریشه عدالت از عدل گرفته شده است، لذا این کلمه را نیز در اصطلاح بررسی می کنیم: عدالت در انسان ملکه‌ای است نفسانی که آدمی را از ارتکاب گناهان کبیره باز می‌دارد، بخلاف سکینت که هم از گناهان کبیره و هم صغیره نگاه می‌دارد.^۲

مرحوم شیخ مفید در اوائل المقالات ذیل القول فی العدل و الخلق، در توضیح عدالت خداوند بیان می‌دارند: که خداوند متعال عادل کریم است و خلق را برای عبادت خود آفریده و آنها را امر به اطاعت از خود و نهی از معصیتش نموده است و همه آنها را مورد هدایت خود قرار داده و با آنها از روی احسان به نعمت و تفضل برخورد کرده است، احدی از آنها را بیش از توان و طاقت آنها امر به تکلیف نکرده است و آنها را به آنچه در توان آنها بوده امر کرده است در آفرینش او عبث و بیهوده گویی راه ندارد و هیچ تفاوتی هم در خلق او راه ندارد و در افعالش هم هیچ قبیحی وجود ندارد و از مشارکت داشتن بندگان در افعالش بدور است، احدی را عذاب نمی‌کند مگر بر انجام گناهانش و هیچ بنده‌ای را سرزنش نمی‌کند مگر افعال بدی از او سر زده باشد.^۳

در علم کلام بحث پیرامون عدالت خداوند سبحان و نظم جهان هستی و تناسب عقوبت و پاداش با اعمال بندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد، همچنین در پاره‌ای از موارد علم کلام، عدالت به معنی عصمت در پیامبر و ائمه معصومین بکار رفته است.

عدل و عدالت در اصطلاح متکلمان و فلاسفه به معنای منزّه بودن خداوند متعال از فعل قبیح و اینکه اخلاص به واجب وارد نمی‌کند.^{۴ ۵}

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۸۰، ۸۱، ۸۲.

۲. موسوی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان ج ۹، ص ۳۰۱.

۳. مفید، محمد بن نعمان، اوائل المقالات، ص ۵۸؛ فاضل مقداد، مقداد ابن عبدالله، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، ص ۷۶؛ طوسی، محمد حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، ص ۸۳؛ حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، الباب الحادی عشر، ص ۲۵.

۴. فضل ابن شاذان، الايضاح، ص ۶؛ حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، الباب الحادی عشر، ص ۲۶؛ ابراهیم بن نوبخت، ابواسحاق، الباقوت فی علم الکلام، ص ۴۵.

۵. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، الباب الحادی عشر، ص ۲۶؛ ابراهیم بن نوبخت، ابواسحاق، الباقوت فی علم الکلام، ص ۴۵.

منظور از عدل در بحث ما، بیشتر معنای اول مراد است یعنی خداوند متعال هر یک از موجودات عالم که قابلیت و بهره‌مندی را داشته باشند خداوند متعال از او دریغ نکرده و او را بوجود آورده است، یا به عبارتی هرآنچه که در جهان خلقت قرار گرفته است بر اساس عدل الهی است.

مبحث چهارم: اقسام و مراتب عدل الهی

در این مبحث درباره اقسام عدل الهی (تکوینی، تشریعی، جزایی) بحث می‌شود.

گفتار اول: منظور از عدل تکوینی

در عدل تکوینی، صحبت در این است که آیا در نظام کونی عدالت و تعادل برقرار است، و هر چیز سر جای خودش و متناسب با موقعیتش قرار دارد یا خیر، نظم موجود در جهان به این پرسش پاسخ می‌دهد. و دانشمندان با بررسی‌های علمی به طور مختصر و جزئی و به شکل محتمل به تناسب و هماهنگی موجود در جهان پی برده‌اند و به گونه‌ای ناچیز، راز و رمز این نظم جهانی را یافته‌اند که این عالم خلقت عادلانه و بروی حساب و کتاب می‌باشد.^۱

عدل تکوینی در قرآن و روایات

با مشاهده خورشید و ماه و دریا و گیاهان و انواع و اقسام حیوانات با همه پیچیدگی و نظم وجودی که دارند و تغییر و تحولاتی که به وسیله باد و باران و آمد و شد شب و روز و تغییر فصول که رخ می‌دهد، همه و همه نشان از نظم عظیمی است که در جهان خلقت مشاهده می‌شود. که همه این امور تحت اشراف حکیمانه الهی در موقعیت و جایگاه خود و براساس عدل الهی قرار گرفته‌اند و نظام کونی را هدفمند نموده است، زیرا ذات خداوند متعال بسی والاتر از آن است که در دستگاه او عبث و بیهوده‌گویی باشد. و همه این امور برای انسان آفریده شده، و انسان برای عبادت خداوند آفریده شده است، البته این عبادت و بندگی تنها به سود خود انسان است و او را به مقام قرب الهی که سرمنزل تمام سعادت‌هاست می‌رساند، ولی هیچ منفعت و ضرری به ساحت ربوبی وارد نمی‌شود چون او غنی علی‌الاطلاق است.

به تعدادی از شواهد قرآنی و روایی اشاره می‌شود:

۱. خطیبی کوشکک، محمد، فرهنگ شیعه، ص ۳۳۶.

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)

خداوند متعال می فرماید: همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی است.^۲ این آیه مبارکه وجود برهان نظم در جهان را نشان می دهد، که نتیجه آن عدالت تکوینی در جهان است.

در روایت آمده است، زمین و آسمان ها بر عدل استوار است که اشاره به عدل تکوینی دارد، چرا که اگر کوچکترین تغییر در فاصله اجرام آسمانی صورت بگیرد همه عالم بهم می ریزد، و به فروپاشی و سقوط نزدیک می شود.^۳

اگر کسی بخواهد موارد عدل خدا را در دستگاه خلقت بیان نماید قابل شمارش نیست، نمونه ای از عدل تکوینی را می توان در کرات آسمانی نام برد.

خداوند متعال به قدری کرات در منظومه های مختلف آفریده است، آن ها که خود در قسمت از کوچکی از کهکشان ها قرار دارند و خود همین میلیون ها کهکشان در قسمتی از کیهان قرار دارند، حال وضعیت کره ی زمین که در گوشه ای منظومه ی شمسی قرار دارد مشخصی می شود، تا یک قرن قبل سیصد میلیون ستاره می گفتند، تا اما امروز تعداد کهکشان ها و منظومه ها از میلیارد تجاوز کرده و می گویند که کراتی عظیم در عالم وجود دارد که نورش هنوز به کره ی زمین نرسیده است.

نوری که در هر ثانیه، صد هزار کیلومتر حرکت می کند، هنوز از وقتی که این کره درست شده، نورش به زمین نرسیده است. در این همه کرات، نظم و عدل، در همه جا مشاهده می شود، فاصله ی بین دو کره به صورت منظم تحت تاثیر جاذبه ی عمومی قرار گرفته است.

امروز کسانی که فضاپیما می فرستند، وسیله ای با این سرعت که پس از سه روز به کره ماه می رسد؛ ماه که دائما در حرکت است، چگونه حساب می کنند که با حرکت ماه و هنگام رسیدن موشک به آن تنظیم گردد. الآن حسابگران

۱. ذاریات/۵۶.

۲. آل عمران/۱۹۴.

۳. سبحانی تبریزی، جعفر، الإیمان و الکفر فی الکتاب و السنه، ص ۳۵۹.

می‌توانند حساب کنند سه روز دیگر ماه در کدام قسمت از فضا است که اگر مختصری دیر یا زود شود، اصابت نمی‌کند.

چقدر باید حرکت کرات در عالم منظم و دقیق باشد و نگهدارنده ی آن‌ها نیکو نگه داشته است.^۱

عدل تکوینی به این معنا است که نظام هستی و جهان آفرینش بر عدل استوار است و خداوند هر موجودی را بر جای شایسته نشانده و وجود و کمال بایسته را به او عطا کرده است. قرآن کریم، بر این حقیقت بارها به اشاره و صراحت در آیات مختلف پافشاری داشته است.^۲

روایات بزرگان معصوم علیهم السلام نیز از این موضوع بیان داشته اند؛ مثلاً در روایتی رسول خدا ۹ فرموده است: «آسمان‌ها و زمین با عدل برپا هستند».^۳

هر موجودی در هر مرتبه‌ای هست از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاص به خود دارد. ذات مقدس حق که کمال مطلق و خیر مطلق و قیاض علی الاطلاق است، به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، اعطا می‌کند و امساک نمی‌نماید. عدل الهی در نظام تکوین، طبق این نظریه، یعنی هر موجودی، هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد دریافت می‌کند. ظلم یعنی منع فیض و امساک بخشش از وجودی که استحقاق دارد.

از نظر حکمای الهی، صفت عدل آنچنان که لایق ذات پروردگار است و بعنوان یک صفت کمال برای ذات احدیت اثبات می‌شود، و صفت ظلم که نقص است و از او سلب می‌گردد.^۴

گفتار دوم: منظور از عدل تشریعی (دادگری در قانونگذاری)

در عدل تشریعی این سوال پیش می‌آید، آیا این قوانین و تکالیفی که خداوند متعال برای ما قرار داده است، تابع عدل الهی و مصلحت و مفسده است؟ و آیا این تکالیف مطابق طاعت و توان افراد است و تناسب آنها رعایت شده است و نیز چرا تکالیف بین انساها یکسان نیست مثلاً چرا تکالیف زنان با مردان، یا زنازاده با غیر آن متفاوت است.

۱. فریض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، سوره الرحمن ذیل آیه و وضع المیزان.

۲. انعام/۷۳؛ یونس/۵؛ ابراهیم/۱۹؛ حجر/۸۵؛ نحل/۳؛ عنکبوت/۴۴؛ روم/۸؛ زمر/۵؛ دخان/۳۹؛ جاثیه/۲۲؛ احقاف/۳؛ تغابن/۳؛ رحمن/۷.

۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۶۳۸؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۵۹؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر

نمونه، ج ۱۸، ص ۴۸۲، ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ص ۱۰۳.

۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۸۲.